



نشست علمی - پژوهشی
جغرافیای معرفتی و تحلیلی بر جریان‌های
فکری جهان معاصر



شناسنامه نشست علمی - پژوهشی:

شماره نشست: ۵

نوع نشست: عمومی

همکار: دبیرخانه شانزدهمین جشنواره بین المللی پژوهشی شیخ طوسی (ره)

استاد نشست: حجت الاسلام و المسلمین آقای خالق پور

تعداد شرکت کنندگان: ۱۵۰ نفر

زمان: دوشنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۱

مکان: سالن کنفرانس موسسه آموزش عالی بنت الهدی

اهم اقدامات انجام شده:

۱. هماهنگی با دبیرخانه جشنواره شیخ طوسی (ره) جهت معرفی استاد و عنوان نشست؛
۲. سفارش طراحی و چاپ پوستر و بنرهای تبلیغاتی نشست؛
۳. اطلاع رسانی در سطح موسسه و دعوت از طلاب محقق جهت حضور در نشست؛
۴. اطلاع رسانی برگزاری نشست در سایت موسسه؛
۵. هماهنگی سالن برگزاری نشست از لحاظ نور، صوت، تهویه و ...؛
۶. هماهنگی با فیلمبردار جهت ثبت و ضبط نشست؛
۷. پیاده سازی متن سخنرانی استاد؛
۸. تهیه و درج گزارش خبری نشست بر روی سایت موسسه؛
۹. تهیه گزارش نشست.

اهم مباحث:

تعاریف فرهنگ و معرفت

از آنجا که جغرافیای فرهنگی بیش از جغرافیای معرفتی مورد بحث قرار گرفته است و مرز میان این دو به خوبی تفکیک نشده است، از این رو، تعریف این دو واژه ضروری است.

فرهنگ

فرهنگ، داشته‌های عینی و مشهود جامعه است؛ چه در حوزه رفتاری مانند آداب و رسوم و چه در حوزه دستاوردها مانند هنر و علم و فناوری.

معرفت

معرفت، چگونگی باور به مسایل متافیزیک و غیر حسی است؛ بدون در نظر داشتن حق و باطل، درست و نادرست، حقیقی و خرافی یا موجه و غیر موجه بودن آن باور.

تعاریف علم و معرفت

علم

به مجموعه اطلاعات دریافتی انسان در حوزه‌های مختلف دانش، اعم از علوم اجتماعی، علوم تجربی و مانند آن گفته می‌شود.

معرفت

معرفت نیز شناخت و باور نسبت به واقعیات هستی و امور غیر حسی است.

نسبت علم و معرفت

اگر علم را محدود به امور حسی ندانیم، نسبت میان این دو، عام و خاص مطلق است. راغب می‌گوید:

معرفت و علم دو تفاوت اساسی با یکدیگر دارند:

المَعْرِفَةُ وَالْعِرْفَانُ أَخْصُّ مِنَ الْعِلْمِ وَ يَضَادُهُ الْإِنْكَارُ.

اول اینکه معرفت، اخص از علم است و علم، اعم از معرفت است و دوم آنکه متضاد لفظ معرفت، لفظ

انکار است، در حالی که متضاد لفظ علم، جهل است.

تعریف جغرافیا

واژه «جغرافیا» معرب «ژئوگرافیا» مرکب از «ژئو» به معنی زمین و «گراف» به معنی نوشتن و تشریح کردن است. بنابراین، معنی آن، نگارش زمین است و می‌توان آن را چنین شرح داد و بیان کرد: تشریح دقیق و علمی وضع زمین، یا شرح وضع سطحی سیاره‌ای که بشر بر روی آن زندگی می‌کند.^۱

^۱ لغت نامه دهخدا.

اقسام جغرافیا

جغرافیای زمین و آنچه را که در سطح این کره خاکی می‌گذرد، از دیدگاه‌های مختلفی می‌توان دسته‌بندی کرد که به سه نمونه آن اشاره می‌شود:

الف. جغرافیای طبیعی

مراد از آن، شرح اوضاع و احوال سطحی زمین است؛ یعنی بحث از برجستگی‌ها و عوامل طبیعی که باعث تغییر و دگرگونی بر روی زمین می‌شوند.

ب. جغرافیای تاریخی

از وضع سرزمین‌های مختلف بر حسب موقعیت‌های گوناگون تاریخی که داشته‌اند، سخن می‌گوید.

ج. جغرافیای سیاسی

تشکیلات سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف را مطرح می‌کند و مباحثی چون نژاد، مذهب، زبان، حکومت و مانند آن به میان می‌آید.

تعریف جغرافیای معرفتی

جغرافیای معرفتی از تنوع و تعدد حوزه‌های معرفتی موجود در این کره خاکی سخن می‌گوید. در جغرافیای معرفتی، به حقیقت و ذات معرفت و به انسان که صاحب و مالک این معرفت است، پرداخته می‌شود.

موضوع جغرافیای معرفتی

موضوع جغرافیای معرفتی، انسان است که معرفت در جایگاه هویت و حقیقت او مورد توجه قرار دارد؛ یعنی اگر انسان را جهان بزرگی بدانیم که روح و جان و حقیقت و هویت او را معرفت و شناخت و فهم و باورهای او تشکیل داده است، در این صورت، با جهانی از جنس انسان و با تنوع حوزه‌های معرفتی خرد و کلان سروکار داریم که در هر حوزه معرفتی، تعدادی از افراد بشر، عناصر تشکیل‌دهنده این جهان انسانی‌اند.

حوزه‌های معرفتی، تشکیل‌دهنده جغرافیای معرفتی

از آنجا که هر حوزه معرفتی در عین وجود وجه معرفتی مشترک با سایر حوزه‌ها، دارای وجوه متفاوتی است که آنها را از هم متمایز می‌کند و در جایگاه منطقه معرفتی در پیکره جهانی مشخص می‌سازد، وجود حوزه‌های معرفتی و مناطق معرفتی متعدد در کنار یکدیگر با مرزبندی تعیین‌شده، جغرافیای معرفتی را تشکیل می‌دهد.

جریان فکری فعال در جهان اسلام

اهمیت جریان‌شناسی

امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ»^۱ بر هر خردمند لازم است زمان خویش را بشناسد» و هم آن حضرت در کلامی دیگر می‌فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»^۲ هر کس آگاه به زمانش باشد، مورد هجوم حوادث ناگوار و اشتباهات قرار نمی‌گیرد.

ظهور مکاتب و جنبش‌های فکری متنوع و گاه متضاد و متناقض در رسانه‌ها و متن جوامع، راه شناخت درست از نادرست و حق از باطل را برای بسیاری، از جمله نسل جدید جهان اسلام، مشکل ساخته است. جریان‌شناسی و داشتن بینش و نگرشی کلان نسبت به گفتمان‌ها و اندیشه‌ها می‌تواند جوامع اسلامی را از فرورفتن در دام «ایسم»‌ها و جنبش‌های منحرف نجات دهد و با تبعیت از پیام آسمانی «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ...»^۳ راه رستگاری را بییماید.

جنبش‌های مذهب‌ساز و فرقه‌ساز

این جریان‌های وابسته، تلاش می‌کنند فهم دیگری از دین ارایه شود که گاهی نیز با آموزه‌های دین ناسازگار است. وهابیت، شیخیه، بهابیت و بابیت از این جمله‌اند.



وهابیت

وهابیت یکی از صدها فرقه دست‌ساز دولت‌های استعمارگر است که با هدف ایجاد تفرقه میان امت اسلام آن را بنا نهاده‌اند. محمد بن عبدالوهاب (م ۱۲۰۶ق)

شیخیه



شیخ احمد احسائی بنیان‌گذار

اندیشه و مسلک شیخیه

^۱ اصول الکافی، باب الصمت و حفظ اللسان

^۲ اصول الکافی، باب العقل و الجهل

بهائیت و بابیت



این فرقه، انشعابی از جریان شیخیه است. از جمله باورهای انحرافی بهائیت این است که در عصر غیبت، مثلث خدا، پیامبر و امام، نیاز به رکن چهارمی دارد تا واسطه ارتباط مردم با امام باشد و به آن، «باب» گفته می‌شود. این زاویه عقیدتی، منجر به ادعای بابیت سید علی محمد باب شد.

به دو شاخه «ازلیه» و «بهاییه» تقسیم شد که بهاییه، جنبشی جهانی شد و هنوز نیز فعالیت‌های زیرزمینی دارد.

بهاییان، نام فرقه خود را از میرزا حسینعلی نوری ملقب به «بهاءالله» گرفته‌اند و او را پیامبر آیین خود می‌شمارند.

جریان‌های عرفان‌واره‌ای

تصوف

تصوف، هم شکل‌های معتدل دارد و هم افراطی. اشتراک آنها، تأکید بر جنبه باطنی و معنوی دین و کم بها بودن و حقیر دانستن احکام ظاهری و شریعت است.

معروف‌ترین فرقه‌های تصوف عبارت‌اند از قادریه، نقشبندیه، چشتیه، حیدریه، کبرویه، نوربخشیه، بکتاشیه و نعمت‌اللهی.

عرفان‌واره‌های جدید

از جمله عرفان‌های نوظهور، «عرفان سرخ‌پوستی» است که به آن عرفان ساحری نیز گفته می‌شود. عرفان ساحری دو نشان ویژه دارد. نخست آنکه منجی، ساحر و جادوگر است، نه رسول الهی و دیگر آنکه خدا، یا وجود ندارد و یا در نظام اعتقادی این مکتب چنان نقش ضعیفی دارد که سالک، کمترین توجهی به خدا و قدرت او نمی‌کند.

موج دیگر عرفان‌واره‌های امروزی نیز عرفان‌واره‌های شرقی، به ویژه عرفان‌واره‌های هندویی و بودایی است که بر مراقبه و تمرکز و مباحثی از این قبیل تأکید می‌کنند.



جریان ملی‌گرایی

مشترکات جریان‌های ملی‌گرایی

- تمجید و تقدیر از ملت و کشور، بیش از تمجید اسلام است؛
- عرب‌ستیزی، عجم‌ستیزی، مهاجرستیزی و یا -دست‌کم- تحقیر آنها و در نوع افراطی آن، اسلام‌ستیزی.



میرزا حسینعلی نوری ملقب به بهاء‌الله که بهائیان شهرت خود را از وی گرفته‌اند و او را عنوان پیامبر آئین خود می‌شمارند.

مارکسیسم



جهان‌بینی مارکسیسم، مدعی عدالت‌گرای خلق‌گرا بود و بسیاری از جوانان مسلمان را به خود جذب کرد. انقلاب‌های مارکسیستی که یکی پس از دیگری رخ داد، بر فضای داخلی کشورهای اسلامی تأثیر زیادی گذاشت.

اگرچه پس از فروپاشی شوروی مارکسیسم سیاسی افول کرد، فعالان این جنبش، از رویکرد مارکسیسم سیاسی، به مارکسیسم فرهنگی تغییر جبهه دادند.

جریان تجددگرای غرب‌زده

این گروه بیش از آنکه به اسلام تکیه کنند، شیفته پیشرفت‌های غرب شدند. کسانی از طیف‌های افراطی این جریان بر این باورند که برای پیشرفت و ترقی باید از فرق سر تا ناخن پا فرنگی شد.

جنبش تجددگرای دینی

این گروه تلاش می‌کنند دین را با علم مدرن و عقل مدرن هم‌خوان و هم‌گرا و سازگار نشان دهند. طرفداران این جنبش، عقل و علم مدرن را اصل گرفته، دین را با سنجیدن و هم‌خوانی با آن دو توجیه می‌کنند و اگر در نکته‌ای، دین با علم و عقل ناسازگار باشد، دین را بازپس می‌زنند و یا کم‌ارزش می‌دانند (مدرن‌سازی دین).

اینان در پی ارایه فهم عقل‌پذیر از دین‌اند و از این دیدگاه، دانش‌های دینی مانند علم کلام، اصول فقه و فلسفه نیز مورد تردید واقع می‌شود.

جریان ضد تجدد

همان‌گونه که در صد سال گذشته، جریان تجددگرا، مقتدر و فعال بوده، در دهه‌های اخیر، جنبش ضد تجدد نیز شکل گرفته است. در این جنبش، تمدن غربی را نامطلوب می‌دانند و تأکید می‌کنند که آنچه تجدد به ارمغان آورده، بین انسان و روح دین، یعنی قدسیت فاصله انداخته است. آنان بر این باورند که دانش و فناوری‌های جدید، خود نیز از قدسیت فاصله گرفته است. این جریان در درون خود، نحله‌های مختلفی دارد.

جریان‌های ضد تبعیض

ضد تبعیض‌های قومی - نژادی: با توجه به تنوع قومیت‌ها احساس می‌کنند حقوقشان رعایت نمی‌شود. ضد تبعیض‌های جنسیتی: معمولاً به صورت گروه‌های فمینیستی باورهای خود را ابراز می‌کنند. ضد تبعیض اقتصادی و توزیع ثروت: به صورت جنبش‌های سیاسی ظاهر می‌شوند.

جریان‌های متمرکز بر عقیده‌ای خاص

گونه دیگری از جریان‌های فکری، بر پایه تمرکز بر برخی باورهای خاص دینی شکل می‌گیرد و گویا همه اسلام، فقط همان نقطه است. از جمله آنها، گروهی از نحله‌های مذهبی مانند انجمن حجّتیّه است که به موضوع مهدویت و امام زمان (عج) توجه ویژه دارند.



تصاویر نشست

